



Explaining the concept of progress within the framework of the Supreme Leader's civilizational theory: An analytical reading of the Second Step Manifesto of the Islamic Revolution

Nafise Akhavan Nilchi^{*1} | Yaser Zolfaghari²

1. PhD Candidate in Futures Studies (Political Studies of the Islamic Revolution), Shahed University, Tehran, Iran. Email: n.akhavan.n@gmail.com
2. Master of Management, Imam Hossein University, Tehran, Iran. Email: yzolfaghari313@gmail.com

Volume info

Vol. 5
Series: 18
Summer 2026

Article Type

Research Paper

Article History

Received:
23 July 2025
Revised:
29 October 2025
Accepted:
10 February 2026
Published:
22 June 2026

ISSN – E-ISSN

ISSN: 2980-8901
E-ISSN: 2821-1685



Abstract

In the contemporary century, the dominant discourse of development - with Western origins - has redefined the development paradigm within the framework of modernity, transforming it into a universal indicator for measuring the status of countries. By reducing the development process to a linear pattern of Westernization, this paradigm has limited development criteria exclusively to quantitative economic indicators, while ignoring the civilizational-cultural foundations of non-Western societies. Such an approach not only neglects the normative and justice-based dimensions of progress, but also, by denying the plurality of development models, has established a kind of theoretical imperialism in the field of development studies. The Islamic Revolution of Iran, by proposing an alternative discourse of "Islamic-Iranian progress" and with the fundamental slogan of civilizational independence ("neither Eastern nor Western"), has presented new epistemological foundations in the field of development theorizing. This research, adopting the Sterling content analysis method and focusing on the Supreme Leader's intellectual system, seeks to analyze the key components of the Islamic-Iranian progress model within the framework of his civilizational theory. The research findings indicate that progress is defined as "the process of achieving a good life," which, within the framework of civilizational theory, depicts a dynamic, multidimensional, and teleological movement. Matching the four dimensions (thought, science, life, spirituality) with the seven components of the Second Step Statement and the dimensions of progress in the content analysis of the Supreme Leader's statements on progress shows that; the overall framework of the country's progress is derived from spirituality, thought, science, and research, which must emerge and manifest in different areas of life.

Keywords: Islamic-Iranian progress model, development, progress, theme analysis, the Second Step Manifesto of the Islamic Revolution.

Cite this Paper: Akhavan Nilchi'N & Zolfaghari'Y.(2026). Explaining the concept of progress within the framework of the Supreme Leader's civilizational theory: An analytical reading of the Second Step Manifesto of the Islamic Revolution. *Journal of Interdisciplinary Civilizational Studies of the Islamic Revolution*. 5(18), 168-203. [10.47176/cir.2507.1281](https://doi.org/10.47176/cir.2507.1281)



Publisher:
Imam Hossein University.

©
The Author(s).



تبیین مفهوم پیشرفت در چهار چوب نظریه تمدنی مقام معظم رهبری (اعلی‌الله مقامه الشریف):

خوانشی تحلیلی از بیانیه گام دوم

نفیسه اخوان نیلچی^{۱*} | یاسر ذوالفقاری^۲

Email: n.akhavan.n@gmail.com

۱. دکترای تخصصی، آینده‌پژوهی مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

Email: yzolfaghari313@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد مدیریت، دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)، تهران، ایران

چکیده

در قرن معاصر، گفتمان مسلط توسعه - با خاستگاه غربی - با بازتعریف پارادایم پیشرفت در چهارچوب مدرنیته، آن را به شاخصی جهان‌شمول برای سنجش وضعیت کشورها تبدیل نموده است. این پارادایم با تقلیل فرآیند توسعه به الگوی خطی غربی‌سازی، ضمن نادیده انگاشتن مبانی تمدنی-فرهنگی جوامع غیرغربی، معیارهای توسعه را منحصراً در شاخص‌های کمی اقتصادی محدود ساخته است. چنین رویکردی نه تنها ابعاد هنجاری و عدالت‌بنیاد پیشرفت را مغفول می‌گذارد، بلکه با نفی تکرار الگوهای توسعه، نوعی امپریالیسم نظری را در عرصه مطالعات توسعه تثبیت نموده است. انقلاب اسلامی ایران با طرح گفتمان بدیل «پیشرفت اسلامی-ایرانی» و با شعار بنیادین استقلال تمدنی («نه شرقی، نه غربی»)، مبانی معرفتی جدیدی در عرصه نظریه‌پردازی توسعه ارائه نموده است. این پژوهش با اتخاذ روش تحلیل مضمون و با تمرکز بر منظومه فکری مقام معظم رهبری، در صدد است مؤلفه‌های کلیدی الگوی پیشرفت اسلامی-ایرانی را در چهارچوب نظریه تمدنی ایشان مورد واکاوی قرار دهد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که پیشرفت «صیورورت نیل به حیات طیب» تعریف می‌شود که در چهارچوب نظریه تمدنی، حرکتی پویا، چندبعدی و غایت‌گرا را ترسیم می‌نماید. تطبیق ابعاد چهارگانه (فکر، علم، زندگی، معنویت) با مؤلفه‌های هفت‌گانه بیانیه گام دوم و ابعاد پیشرفت در تحلیل مضمون بیانات مقام معظم رهبری در مورد پیشرفت نشان می‌دهد که؛ چهارچوب کلی پیشرفت کشور برگرفته از معنویت، فکر و علم و پژوهش است که در عرصه‌های مختلف زندگی می‌بایست ظهور و بروز داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: الگوی پیشرفت اسلامی-ایرانی، توسعه، پیشرفت، تحلیل مضمون، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی.

سال و شماره

سال ۵، پیاپی: ۱۸

تابستان ۱۴۰۵

نوع مقاله

مقاله پژوهشی

سابقه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۳۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۰۱

شابا چاپی و الکترونیکی

شابا چاپی: ۲۹۸۰-۸۹۰۱

الکترونیکی: ۲۸۲۱-۱۶۸۵



استناد: اخوان نیلچی، نفیسه؛ ذوالفقاری، یاسر. (۱۴۰۵). تبیین مفهوم پیشرفت در چهارچوب نظریه تمدنی مقام معظم

رهبری (اعلی‌الله مقامه الشریف): خوانشی تحلیلی از بیانیه گام دوم؛ مطالعات میان‌رشته‌ای تمدنی انقلاب اسلامی؛ ۵ (۱۸)؛ ۲۰۳-۱۶۸.

[10.47176/cir.2507.1281](https://doi.org/10.47176/cir.2507.1281)

©

نویسندگان.

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)



OPEN ACCESS

مقدمه

رشد و پیشرفت همواره از دغدغه‌های اساسی نظام‌های سیاسی و حاکمیتی در طول تاریخ بوده است. در قرن اخیر، این مفهوم با ظهور گفتمان مدرنیته و توسعه غربی، شکل جدیدی به خود گرفت و به معیاری برای طبقه‌بندی کشورها تبدیل شد. بر اساس این نگرش، توسعه‌یافتگی معادل با غربی شدن تعریف می‌شود و سایر ملل ناگزیر به پیروی از الگوهای غربی برای خروج از وضعیت «توسعه‌نیافتگی» تصور می‌شوند. این رویکرد، نه تنها مبانی فرهنگی و ارزشی جوامع غیرغربی را نادیده می‌گیرد، بلکه با تقلیل پیشرفت به شاخص‌های مادی نظیر در آمد سرانه و رشد اقتصادی، ابعاد معنوی و عدالت‌محور پیشرفت را مغفول می‌گذارد.

انقلاب اسلامی ایران با شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی»، از همان ابتدا مسیر متفاوتی را در تعریف پیشرفت ترسیم کرد. این گفتمان، با نقد بنیادین الگوی توسعه غربی، بر ضرورت طراحی «الگوی پیشرفت اسلامی- ایرانی» تأکید دارد. مقام معظم رهبری با تمایزگذاری میان مفاهیم «توسعه» و «پیشرفت»، تصریح می‌کنند که پیشرفت در گفتمان انقلاب اسلامی، صرفاً به رشد اقتصادی محدود نمی‌شود، بلکه تحقق عدالت، تعالی اخلاقی و استقلال فرهنگی را نیز در برمی‌گیرد. ایشان با اشاره به شکست الگوی غربی در تأمین سعادت بشری، بر لزوم تدوین الگویی بومی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی اصرار می‌ورزند.

با توجه به تأکیدات مکرر رهبر معظم انقلاب بر طراحی الگوی پیشرفت اسلامی- ایرانی، پژوهش حاضر در پی آن است تا با تحلیل مضمون بیانات معظم له و واکاوی بیانیه گام دوم انقلاب، مؤلفه‌های کلیدی پیشرفت در گفتمان انقلاب اسلامی را استخراج و تبیین کند. پرسش اصلی این است که مفهوم پیشرفت در چارچوب نظریه تمدنی مقام معظم رهبری چگونه تعریف می‌شود؟ و چگونه می‌تواند به عنوان راهبردی جامع برای تحقق تمدن نوین اسلامی عمل کند؟

این پژوهش درصدد است تا با تبیین مبانی مفهومی «پیشرفت» در گفتمان انقلاب اسلامی و تمایز آن با «توسعه» غربی، تحلیل مؤلفه‌های کلیدی پیشرفت در بیانات مقام معظم رهبری و بازخوانی بیانیه گام دوم، چارچوبی نظری و عملیاتی برای تحقق پیشرفت حقیقی در جمهوری اسلامی ایران ارائه دهد.

۱- پیشینه پژوهش

موضوع پیشرفت از نگاه مقام معظم رهبری در سال‌های اخیر مورد توجه محققان و اندیشمندان حوزه‌های مختلف علوم انسانی قرار گرفته است. محورهای پژوهش‌ها در زمینه مبانی نظری پیشرفت و ابعاد مختلف پیشرفت می‌باشد، همچنین سالانه همایش ملی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت برگزار می‌شود که به تبیین و توصیف پیشرفت می‌پردازد؛ در اینجا مهم‌ترین پژوهش‌های مرتبط با این موضوع ارائه می‌شود:

علی بصیری‌نیا (۱۳۹۸)؛ در مقاله «بررسی نقش آینده‌نگری در پیشرفت از نگاه بیانیه گام دوم انقلاب با تأکید بر ابعاد داخلی و خارجی» در فصلنامه مطالعات علوم اسلامی انسانی نشان می‌دهد با توجه به اینکه مقام معظم رهبری جوانان را محور تحقق نظام پیشرفته اسلامی می‌داند و مهم‌ترین ظرفیت امید بخش کشور را نیروی انسانی مستعد و کارآمد می‌داند در صورت عمل به ۷ توصیه مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب می‌توان به آینده‌ای رو به پیشرفت چه در ابعاد داخلی و خارجی را متصور شد.

زینب سنجولی (۱۳۹۲)، مقاله‌ای با عنوان «تبیین ماهیت الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» در فصلنامه مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی منتشر کرد. این مقاله ابتدا به بازشناسی مفهوم و ماهیت الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت می‌پردازد؛ سپس مفاهیمی چون عرصه‌های پیشرفت، مفهوم توسعه اسلامی، نقاط افتراق و اشتراک پیشرفت و توسعه و اهمیت دستیابی به الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، الزامات، شاخصه‌ها و راهبردهای دستیابی به آن مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ و بیان می‌دارد در پرتو آرمان‌های اصیل انقلاب و همچنین امیدهای نهفته در سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران، طراحی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت را می‌توان به مثابه سنگ زیرین هر تلاش عالمانه جهت رشد و تعالی همه‌جانبه کشور تلقی نمود.

حسن یوسف زاده (۱۳۹۵) در پنجمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مقاله‌ای با عنوان «الزامات نظریه‌پردازی در عرصه پیشرفت (با تأکید بر جایگاه انسان‌شناسی)» را ارائه می‌دهند؛ و معتقد است علوم انسانی همچنان که پیشران توسعه در مغرب زمین به شمار می‌رود، عنصری تعیین‌کننده در تحقق الگوی اسلامی پیشرفت و نیز سبک زندگی اسلامی در جهان اسلام تلقی می‌شود. تغییر مسیر علوم انسانی از رویکردهای غربی به سمت وسوی مسائل اسلامی و حتی بومی،

استلزاماتی دارد که در این مقاله مورد توجه قرار می‌گیرد. بدین ترتیب با بهره‌گیری از ظرفیت «روش مقایسه‌ای متوازن پیوسته»، در پاسخ به این پرسش که از نگاه اسلامی، نظریه پردازی در عرصه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت دارای چه استلزاماتی است، دیاگرام پژوهش‌پیزی ساندرز الگوی مناسبی را در اختیار قرار می‌دهد. مقاله حاضر جایگاه مبانی پایه در الگوی اسلامی ایرانی را مطمع نظر قرار داده است.

روح اله تیموری و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «تعریف پیشرفت و راه‌های رسیدن به آن از دیدگاه مقام معظم رهبری بر اساس نظریه گفتمان لا کلاو و موفه» در فصلنامه سیاست پژوهی تحول در علوم انسانی؛ این‌گونه مطرح می‌شود که از دیدگاه رهبری باید بجای توسعه که بار معنای خاصی دارد از مقوله پیشرفت استفاده کنیم و برای رسیدن به پیشرفت باید یک الگوی مناسب و بومی با توجه به الگوی اسلامی و ایرانی طراحی کنیم. نگارندگان سعی می‌کنند با کمک رویکرد گفتمان لا کلاو و موفه به بررسی جایگاه پیشرفت از دیدگاه مقام معظم رهبری بپردازند.

قاضی میرسعید (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «مفهوم توسعه و پیشرفت در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله العالی)» در فصلنامه مدیریت اسلامی؛ سه مضمون قدرت درونزا، اقتصاد دانشی عدالت محور و اسلامی بودن پیشرفت را به‌عنوان مضامین فراگیر پیشرفت و نتایج پژوهش خویش ارائه کرده است.

منصور میر احمدی و محمدعلی نظری (۱۴۰۱) مقاله «نظریه پیشرفت سیاسی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای» در فصلنامه علمی پژوهش‌های انقلاب اسلامی منتشر کردند، یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که نظریه پیشرفت سیاسی بر اساس مبانی معرفت‌شناختانه و زمینه‌های سیاسی و اجتماعی در طول تحقق یک فرایند بلندمدت مبتنی بر گفتمان‌سازی، مدیریت مکتب، فرهنگ و هویت و عقلانیت است که منتج به نظام سیاسی کارآمد و ایجاد یک جامعه متحول می‌شود، نظام سیاسی کارآمد مبتنی بر عدالت محوری، شایسته‌سالاری، پاسخگویی و نظارت و جامعه تحول‌خواه مبتنی بر آزادی و برابری سیاسی و اجتماعی، اعتقادی، وجود احزاب و سازمان‌های غیردولتی، معنویت و اخلاق محوری است؛ موانع تحقق پیشرفت سیاسی به دودسته ساختاری و رفتاری تقسیم می‌شود، هدف پیشرفت سیاسی دست‌یابی به تمدن نوین اسلامی است.

فاطمه سادات هاشمیان (۱۴۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «جایگاه عقلانیت در الگوی پیشرفت اسلامی بر اساس اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری (حفظه الله)» در فصلنامه علمی پژوهش‌های انقلاب اسلامی بیان می‌دارد که عقلانیت یکی از مبانی اساسی گفتمان انقلاب است که دین‌محوری، تفکیک‌ناپذیری از معنویت و عدالت، محاسبه درست و به دور از محافظه‌کاری، عدالت‌خواهی، استکبارستیزی، مردم‌سالاری و اقتدار، از شاخصه‌ها و مؤلفه‌های اصیل آن به شمار می‌آید. چنین عقلانیتی به عنوان یک اهرم قوی برای حرکت روبه‌جلو و پیشرفت است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، الگوی پیشرفت را دارای چهار عرصه اساسی «فکر»، «علم»، «زندگی» و «معنویت» می‌داند که با تحقق پیشرفت در این عرصه‌ها، پیشرفت همه‌جانبه شکل می‌گیرد و زمینه تحقق تمدن نوین اسلامی فراهم می‌آید.

پیشینه پژوهشی نشان می‌دهد که پیشرفت در نگاه مقام معظم رهبری مورد توجه پژوهش‌گران بوده است برخی به تفاوت توسعه و پیشرفت متمرکز شده و برخی ابعادی از پیشرفت را مورد بررسی قرار داده‌اند. هم‌چنین نشان داده می‌شود پیشرفت ترکیبی از مؤلفه‌های مادی و معنوی با محوریت اسلام، استقلال و عدالت است. ایشان پیشرفت را صرفاً در شاخص‌های اقتصادی محدود نمی‌دانند، بلکه بر پیشرفت توأمان علمی، فرهنگی، سیاسی و اخلاقی تأکید دارند.

یکی از مهم‌ترین خلأهای پژوهشی در حوزه مطالعات پیشرفت، عدم تحلیل نظام‌مند و جامع بیانات مقام معظم رهبری درباره ابعاد مختلف پیشرفت است. با وجود تأکیدات مکرر ایشان بر مفاهیمی مانند «اقتصاد مقاومتی»، «پیشرفت علمی»، «عدالت‌محوری» و «تمدن نوین اسلامی»، هنوز تحلیل مضمونی ساختاریافته‌ای که بتواند ارتباط بین این مفاهیم را با اسناد بالادستی مانند «بیانیه گام دوم انقلاب» و «الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت» مشخص کند، انجام نشده است. چنین پژوهشی می‌تواند با استخراج مضامین کلیدی، سیر ترسیم پیشرفت در اندیشه ایشان را در طول زمان بررسی کرده و نقاط تمرکز اصلی را در مسیر پیشرفت کشور تبیین نماید.

تحلیل مضمون بیانات رهبری نه تنها به درک بهتر گفتمان پیشرفت اسلامی-ایرانی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند چارچوبی عملیاتی برای سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مردم فراهم آورد. با تطبیق این یافته‌ها با اسناد بالادستی، می‌توان شاخص‌های قابل اجرا، اولویت‌های ملی و راهبردهای کلان را استخراج کرد تا هم مسئولان با نقشه‌ای روشن حرکت کنند و هم مردم با آگاهی از اهداف

کلان، مشارکت فعال‌تری داشته باشند. این پژوهش می‌تواند پلی بین نظریه و عمل ایجاد کند و از انفصال بین بیانات رهبری و سیاست‌های اجرایی جلوگیری نماید.

۲- روش‌شناسی

این پژوهش با استفاده از روش «تحلیل مضمون» انجام گرفته است. تحلیل مضمون یک رویکرد استقرایی (داده‌محور) است که یکی از ساده‌ترین و کاربردی‌ترین روش‌های تحلیل کیفی به شمار می‌رود. این روش، فرآیندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌های غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (Abedi Jafari, Taslimi, Faghihi, & Sheikhzadeh, 2011: 153).

این روش به دلیل ساختارمند بودن و تطبیق‌پذیری با انواع داده‌های کیفی، به پژوهشگران اجازه می‌دهد تا الگوهای معنادار (مضامین) را در داده‌های کیفی شناسایی و تحلیل کنند (Braun & Clarke, 2006).

داده‌ها در روش تحلیل مضمون مضامین به سه سطح پایه (کدها)، سازمان‌دهنده و فراگیر تقسیم می‌شوند که سلسله‌مراتب معنایی داده‌ها را شکل می‌دهند:

۱. مضامین پایه: ساده‌ترین سطح تحلیل هستند و از کدهای اولیه تشکیل می‌شوند که مستقیماً از داده‌ها استخراج می‌شوند. این مضامین، واحدهای معنایی کوچک و مجزایی هستند.
۲. مضامین سازمان‌دهنده: با ترکیب و ارتباط مضامین پایه شکل می‌گیرند و سطحی انتزاعی‌تر دارند. این مضامین، الگوهای گسترده‌تری را نشان می‌دهند که مضامین پایه را در چارچوبی منسجم مرتبط می‌کنند.

۳. مضامین فراگیر: در بالاترین سطح انتزاع قرار دارند و هسته اصلی تحلیل را تشکیل می‌دهند. این مضامین، مفاهیم کلانی هستند که مضامین سازمان‌دهنده را دربرمی‌گیرند و پاسخ نهایی به پرسش تحقیق محسوب می‌شوند (Braun & Clarke, 2006).

این سلسله‌مراتب به پژوهش‌گر کمک می‌کند تا از توصیف صرف داده‌ها فراتر رفته و به تفسیر عمیق‌تری دست یابد (Braun & Clarke, 2013)؛ و مفاهیم به‌صورت شبکه مضامین نمایش داده

¹ Basic Themes

² Organizing Themes

³ Global Themes

شود. ایجاد یک «شبکه مضامین» در مرحله پایانی تحلیل، به‌عنوان یک ابزار مصورسازی قدرتمند برای ساختاربندی و ارائه یافته‌ها عمل می‌کند. این شبکه، روابط سلسله‌مراتبی و مفهومی بین مضامین پایه، مضامین فراگیر و مضمون سازمان دهنده را در یک الگوی منسجم به تصویر می‌کشد و درک روشنی از چگونگی تشکیل «مدل نهایی» داده‌ها ارائه می‌دهد. این فرآیند نه تنها شفافیت تحلیلی را افزایش می‌دهد، بلکه با نمایش چگونگی پیوند مضامین مختلف در پاسخ به پرسش تحقیق، به اعتبار و صحت یافته‌ها می‌افزاید (Braun & Clarke, 2006: 87).

در بخش تجزیه و تحلیل داده‌ها، از نرم‌افزار MAXQDA به‌عنوان ابزاری قدرتمند برای تحلیل کیفی داده‌ها استفاده شده است. این نرم‌افزار با قابلیت‌های پیشرفته‌ای مانند کدگذاری چندلایه، تحلیل محتوای کیفی و ابزارهای ترسیم نقشه‌های مفهومی، امکان سازماندهی و تفسیر نظام‌مند داده‌های متنی، صوتی و تصویری را فراهم می‌کند. در این مطالعه، بیانات مقام معظم رهبری در مورد پیشرفت پس از ورود به محیط نرم‌افزار، طی مراحل کدگذاری؛ مضامین پایه، مضامین سازمان دهنده و مضامین فراگیر مورد تحلیل قرار گرفتند. همچنین، از ابزارهای بصری سازی MAXQDA برای شناسایی الگوها و ارتباطات میان مفاهیم استفاده شد تا یافته‌ها با دقت و اعتبار بالایی استخراج شوند. در این پژوهش، داده‌های لازم از کل آراء و دیدگاه‌های مقام معظم رهبری طی بازه زمانی ۱۳۶۸ تا ۱۴۰۳ گردآوری و با به‌کارگیری روش تحلیل مضمون براون و کلارک (۲۰۰۶) و با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA، در مفهوم «پیشرفت» مورد تحلیل قرار گرفت. پس از فرآیند کدگذاری اولیه و پالایش مضامین، گزاره‌های نامرتب حذف و در نهایت ۱۲۷ مضمون پایه نهایی شد. در ادامه، با تجمیع و سازماندهی مضامین پایه در قالب الگوهای معنادار، ۷ مضمون فراگیر استخراج گردید که چهارچوب جامعی از مفاهیم کلیدی پیشرفت در اندیشه ایشان را نمایان می‌سازد.

۳- روایی تحقیق (اعتبار سنجی)

محققان کیفی، هر وقت در مورد روایی تحقیقات اظهار نظر می‌کنند، معمولاً از واژه‌هایی همچون «باورپذیری»، «قابل دفاع» و «امانتدار» بودن صحبت می‌کنند (Faghihi & Alizadeh, 2005: 9). بنابراین با پذیرش این معیار به‌عنوان شاخص‌های تحقیق کیفی، تحقیق حاضر به دلیل نقل داده‌ها و آوردن عین بیانات، آن هم بیانات تصریحی مقام معظم رهبری (اعلی‌الله مقامه الشریف) با استفاده از

اسناد معتبر و انتساب داده‌ها به منبع ولی فقیه هر دو شاخص «باورپذیری» و «قابل دفاع» را در حد بالایی دارا می‌باشد. با این حال نظر ۱۰ نفر از خبرگان و صاحب نظران حوزه تحلیل بیانات در مورد جداول کدگذاری و همچنین ارتباط مفاهیم و مضامین (حساسیت نظری)، مبتنی بر ابزار ارزیابی حیاتی کسپ (CASP) انجام که در نهایت با میانگین‌گیری نظر خبرگان و کسب نمره ۴۳ از ۵۰ اعتبار پژوهش تأیید شد.

۴- چارچوب نظری؛ نظریه تمدنی مقام معظم رهبری

در چارچوب نظریه تمدنی مقام معظم رهبری، انقلاب اسلامی ایران نه به‌عنوان رویدادی تاریخی با نقطه پایانی مشخص، بلکه به‌مثابه حرکتی پویا، تدریجی و غایت‌گرا فهمیده می‌شود که غایت نهایی آن شکل‌گیری «تمدن نوین اسلامی» است. انقلاب یک دوره است انقلاب یک حرکت مستمر است، انقلاب یک چیز دفعی و آنی نیست؛ انقلاب تحولی است که به‌طور مستمر در طول سالیان دراز انجام می‌گیرد (Khamenei, 1999). در حقیقت، نهضت انقلابی مردم مسلمان ایران از زمان پیروزی انقلاب اسلامی پنج مرحله (انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی، تمدن اسلامی) را پشت سر خواهد گذاشت. این امر یک فرایند طولانی است که قدم اولش پیروزی انقلاب اسلامی بوده و تشکیل نظام سیاسی بر پایه اسلام مرحله دوم را شامل می‌شود؛ اما به‌رغم تلاش‌های صورت گرفته، همچنان مرحله دولت‌سازی به معنای حقیقی کلمه محقق نشده است. و اکنون فرآیند انقلاب اسلامی، در مرحله دولت‌سازی است و دو مرحله جامعه اسلامی و تمدن اسلامی در گام دوم انقلاب به‌عنوان مسیر رسیدن به آرمان‌گایی ترسیم شده است. بر اساس نگاه فرآیندی می‌توان بیان داشت؛ انقلاب یک تحول تدریجی، بنیادین و هدف‌دار، حرکتی سنجیده و پیوسته، سرشار ایمان و اخلاص، واقعیتهای برآمده از احساس تکلیف عمومی مردم مناظر به یک آرمان و وضعیت مطلوب است (Shahriari, 2018: 37- 38).

انقلاب اسلامی پس از رشد و تحولات فقه سیاسی در عصر غیبت، نهایتاً با گسترش نظریه ولایت‌فقیه در عرصه تئوری و عمل شکل گرفت. نظریه تمدنی مقام معظم رهبری با تکیه بر قلمرو فقهی و اعتقادی به گفتمان مسلط جامعه ایران تبدیل شد. در حقیقت مقام معظم رهبری در استمرار حرکت امام خمینی توانستند با بهره‌گیری از نظام معنایی و اندیشه‌ای نو و آموزه‌های اسلام ناب،

گفتمانی نوین و تحول ساز به جهانیان عرضه دارد. نظریه تمدنی با نفی گفتمان‌های غرب و شرق و با ایجاد گفتمانی اصیل بر آن شد تا پیشرفت حقیقی در تمامی ابعاد و عرصه‌های زندگی بشر را پوشش دهد و تا تحقق آرمان تمدن ساز خویش پیش رود.

۵- چهارچوب مفهومی

۵-۱- توسعه

اندیشه در مورد توسعه بعد از رنسانس در غرب ظهور و بروز داشته است. بعد از جنگ جهانی دوم به صورت علمی در دانشگاه‌ها و مراکز برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری کشورهای گوناگون موضوعیت یافت. در اوایل دهه‌های بعد از جنگ جهانی دوم که توسط سازمان ملل به نام دهه‌های توسعه نام‌گذاری شده بود، توسعه به صورت موج گسترده‌ای در اروپا، آمریکای شمالی و بین‌خبران کشورهای نیمه‌صنعتی انتشار یافت. در این کشورها در بیشتر موارد، مفهوم توسعه با مفهوم غرب‌گرایی یا اروپا‌گرایی همراه بود. بر این اساس کشورها و جوامعی که بخش عمده‌ای از کره زمین را تشکیل می‌دادند، ابتدا عقب‌مانده و بعد از مدتی با عناوین توسعه نیافته یا در حال توسعه توصیف شدند (Alavi, 2007: 149-150).

استفاده وسیع از اصطلاحات توسعه به عنوان چهارچوب مفهومی برای اطلاق به تغییرات بین‌المللی، ملی، نهادی و فردی و همچنین کاربرد این اصطلاح به جای پیشرفت پدیده‌ای است که به دوران پس از جنگ جهانی دوم تعلق دارد. اصطلاح توسعه در دهه ۱۹۴۰ و به‌ویژه در دو دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ با مفاهیمی چون «رشد»، «نوگرایی»، «دموکراسی»، «خلاقیت»، «صنعتی شدن» و پاره‌ای از تغییرات تاریخی و تکوینی مربوط به غرب مترادف بود. اصطلاح توسعه که ابتدا توسط پژوهشگران و سیاست‌گذاران آمریکایی محبوبیت یافت و سپس به سرعت به اروپا و به‌ویژه به کشورهای کمتر صنعتی جهان معرفی شد، به رغم مفهوم نارسا و کمک آن در سطح جهان به بحث عمده سازمان‌های بین‌المللی تبدیل شد (Mowlana, 1992: 24).

توسعه از مفاهیم پیچیده و چندبعدی است که با تحولات تاریخی و تغییرات زیادی متأثر از نگرش‌های رایجی که در هر مقطع زمانی بر ادبیات توسعه سایه افکنده، روبه‌رو شده است. برخی اوقات به مدرن شدن و غربی شدن نیز تعبیر شده است. با آشکار شدن آثار و پیامدهای ناخواسته

چنین برداشتی، تغییر در مفهوم توسعه متناسب با فرهنگ بومی ملت‌ها ضرورتی انکارناپذیر بوده است (Movahedi, 2004: 11). از دهه هفتاد به بعد بحث فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی که تا پیش از این در ادبیات توسعه جایگاهی نداشتند مورد توجه نظریه‌پردازان قرار گرفت و در کنفرانس‌های سازمان ملل در کنار عوامل صرفاً اقتصادی، عوامل فرهنگی نیز کانون مباحث شد (Nazarpour, 1999: 11-13). توسعه اغلب به مفهوم تولید ناخالص داخلی (GDP) پیوند خورده است. این ایده که می‌توان توسعه یک کشور را با استفاده از تولید ناخالص داخلی اندازه‌گیری کرد نسبتاً جدید است. اگرچه سیمون کوزنتس تولید ناخالص داخلی را در سال ۱۹۳۴ تعریف کرده بود، این مفهوم ۱۰ سال بعد و در کنفرانس برتون وودز به ابزار اصلی اندازه‌گیری نظام اقتصادی یک کشور تبدیل شد.

استفاده از تولید ناخالص داخلی برای سنجش توسعه منطقی بود، اما برای اندازه‌گیری رفاه انسان محدودیت‌هایی داشت. اگر هدف از توسعه اقتصادی - در ساده‌ترین شکل آن - فراهم آوردن ابزارهایی برای بهبود کیفیت سطح زندگی باشد، تولید ناخالص داخلی می‌تواند تا حد مناسبی منعکس‌کننده این موضوع باشد. تا دهه ۱۹۷۰، رشد تولید ناخالص داخلی معیار خوبی برای توسعه کلی یک کشور تلقی می‌شد؛ اما حتی خود کوزنتس - هنگام گزارش خود درباره تولید ناخالص داخلی - در مورد به‌کارگیری این شاخص به‌عنوان معیار رفاه هشدار داده بود (Costanza, 2009). در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، ثروت مادی به‌معنای مراقبت‌های بهداشتی، آموزش و مسکن بهتر برای ساکنان یک کشور تعبیر نمی‌شد.

۲-۵- پیشرفت در رویکرد مدرن

تلقی گفتمان مدرن در باب پیشرفت را می‌توان در دو رویکرد کلان خلاصه کرد. رویکرد اول که به لحاظ تاریخی هم تقدم دارد، پیشرفت را به‌عنوان فرآیند تمایزیابی، پیچیدگی ساختاری و تنوع نهادی که کارآیی و کارآمدی بیشتری را در پی داشته باشد، تعریف می‌کند. از این منظر جامعه هرچه کامل‌تر و پیشرفته‌تر می‌شود، تنوع و تمایزات ساختاری بیشتری در آن صورت می‌گیرد. این تعریف از پیشرفت را می‌توان تلقی سیستمی یا سخت‌افزاری تعبیر کرد، چراکه کانون توجه در آن نه انسان که ابعاد ساختاری زندگی بشری از قبیل پیچیدگی‌های فنی و تنوع سازمانی است. تعریف

پیشرفت به مثابه «حرکت از ساده به پیچیده» که در اغلب نظریه‌های جامعه‌شناسانه دیده می‌شود، چنین برداشتی از پیشرفت را مطرح می‌سازد (Giddens, 2000: 689).

رویکرد سیستمی که مدت نسبتاً طولانی پارادایم مسلط محسوب می‌شد، اخیراً مورد نقدهای جدی قرار گرفته است، چراکه به موازات تخصصی شدن و پیچیدگی فزاینده در عرصه‌های سیستمی، نه تنها احساس خوشبختی، سعادت و رضایت خاطر بشر افزایش نیافت که بر عکس، پیچیدگی سیستم‌های اجتماعی تبدیل به قفس آهنین، عامل از خود بیگانگی، از دست رفتن معنا و کاهش اختیار و خودمختاری انسان گردید (Taylor, 2006: 81-92).

با توجه به این پیامدهای منفی، نوعی گذار پارادایمی در رویکردهای پیشرفت رخ داد که در آن «انسان» به جای «سیستم» به عنوان موضوع و محور پیشرفت مطرح گردید. در این پارادایم که می‌توان آن را رویکرد «عاملیتی» یا انسان‌محور نامید، توسعه یا پیشرفت عمدتاً فرآیندی تلقی می‌شود که دامنه‌ی انتخاب‌های بشر گسترش یافته و افراد انسانی به آزادی و خودمختاری بیشتری در عرصه زندگی نائل می‌شوند.

به‌رغم تفاوت‌های که این دو طرز تلقی با هم دارند، هر دو دیدگاه در این که فرآیند توسعه و پیشرفت را منحصر در ابعاد مادی و این جهانی حیات بشری می‌داند، اشتراک نظر دارند. از هر دو منظر، توسعه فرآیندی است که شرایط را برای لذت‌جویی، کامروایی روزافزون و ارضای تمایلات و اشباع هوس‌های نفسانی بشر، بیش از پیش فراهم می‌سازد. پیشرفت در عرصه ایمان و معنویت، ارزش‌های انسانی و اخلاقی در گفتمان مدرن یا اساساً موضوعیت ندارند و یا این که در حاشیه و ذیل توسعه مادی مطرح می‌شوند. این برداشت از پیشرفت، ناشی از اصول و مفروضات خاصی است که گفتمان مدرن در تفسیر عالم و آدم آن‌ها را مبنا قرار می‌دهد؛ اصول چون دنیوی شدن یا تقدسی‌زدایی از عالم، مرجعیت عقل ابزاری، لیبرالیسم و اباحیت، اومانیزم یا انسان‌خدایی، فردگرایی و اصالت لذت، مهم‌ترین مبانی خرده گفتمان‌های مدرن در باب پیشرفت یا توسعه را شکل می‌دهند (Parsania, 2006: 204-216).

۳-۵- پیشرفت در رویکرد پسامدرن

در رویکرد پسامدرن، تعریف پیشرفت به شکلی بنیادین مورد بازنگری و چالش قرار می‌گیرد. برخلاف گفتمان مدرنیته که پیشرفت را عمدتاً به‌عنوان حرکت خطی، فزاینده و جهانی به سمت

اهداف عقلانی، علمی، تکنولوژیک و اخلاقی می‌دید، پسامدرنیسم با نقد این انگاره‌ها، تعریف تک‌بعدی و جهان‌شمول از پیشرفت را رد می‌کند. در اینجا برخی از ویژگی‌های نگاه پسامدرن به پیشرفت را بررسی می‌شود.

الف. نفی روایت‌های کلان^۱

پسامدرنیسم، روایت‌های کلان مانند «پیشرفت به سوی جامعه‌ای عقلانی و آزاد» یا «توسعه تکنولوژیک به عنوان مسیر حتمی بهبود زندگی» را زیر سؤال می‌برد. لیوتار^۲ معتقد است این روایت‌ها نه تنها بی‌طرفانه نیستند، بلکه ابزار قدرت برای توجیه سلطه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی هستند؛ بنابراین، پیشرفت دیگر یک هدف جهان‌شمول و غیرقابل چالش نیست. «در جامعه‌ی پسامدرن، روایت‌های بزرگ [کلان] اعتبار خود را از دست داده‌اند... دانش دیگر در خدمت تحقق آرمان‌هایی مانند رهایی بشر نیست» (Lyotard, 1979).

ب. تکثروگرایی و نسبی‌نگری

در نگاه پسامدرن، پیشرفت واحد وجود ندارد، بلکه تعاریف متکثر و محلی از پیشرفت مطرح می‌شود. هر فرهنگ، جامعه یا گروه ممکن است معیارهای خود را برای پیشرفت داشته باشد. برای مثال، چیزی که در یک جامعه به عنوان پیشرفت اقتصادی (مثل رشد سرمایه‌داری) تعریف می‌شود، ممکن است در جامعه‌ای دیگر به عنوان تخریب محیط‌زیست یا نابرابری تفسیر شود. همان‌طور که دیوید هاروی^۳ در شرایط پسامدرنیته اشاره می‌کند:

«پسامدرنیسم هر گونه ادعای جهانی درباره‌ی پیشرفت را رد می‌کند و به جای آن بر چندگانگی تجارب محلی تأکید دارد» (Harvey, 1989: 44). مثال بارز این امر را می‌توان در نقد توسعه‌ی سرمایه‌دارانه دید که در برخی جوامع به عنوان پیشرفت و در جوامع دیگر به عنوان استعمار نو تفسیر می‌شود.

پ. نقد تکنولوژی و علم به عنوان محور پیشرفت

در حالی که مدرنیسم علم و تکنولوژی را موتورهای پیشرفت می‌دانست، پسامدرنیسم به پیامدهای منفی آن‌ها (مانند تخریب محیط‌زیست، از خودبیگانگی انسان یا نظارت دیجیتال) توجه

^۱ Grand Narratives

^۲ Jean-François Lyotard

^۳ Harvey

می‌کند. پیشرفت تکنولوژیک لزوماً به معنای پیشرفت اخلاقی یا انسانی نیست. ژان بودریار^۱ در توهّم پایان هشدار می‌دهد: «تکنولوژی نه به‌سوی رهایی، بلکه به‌سوی نوعی از خودبیگانگی مطلق پیش می‌رود» (Baudrillard, 1992: 12). این دیدگاه توسط اولریش بک^۲ در جامعه‌ی ریسک نیز تأیید می‌شود که نشان می‌دهد پیشرفت تکنولوژیک چگونه مخاطرات جدیدی برای بشر ایجاد کرده است.

ج. تمرکز بر قدرت و گفتمان

مطابق دیدگاه فوکو^۳، پیشرفت اغلب در خدمت نظام‌های قدرت است و گفتمان‌های مسلط (مثل توسعه اقتصادی یا پزشکی شدن جامعه) را بازتولید می‌کند. پسامدرنیسم از ما می‌پرسد: «پیشرفت از دیدگاه چه کسی و به هزینه چه کسانی؟»

میشل فوکو در مراقبت و تنبیه نشان می‌دهد که: «گفتمان پیشرفت، سازوکارهای جدید نظارت و انضباط را طبیعی جلوه می‌دهد» (Foucault, 1975: 202). به‌عنوان مثال، پزشکی شدن جامعه که به‌عنوان پیشرفت معرفی می‌شود، در واقع بدن‌ها را به ابزارهای کنترل تبدیل می‌کند.

د. اهمیت امر محلی

به‌جای پیشرفت جهانی، پسامدرنیسم بر تغییرات کوچک، محلی و موقعیتی تأکید دارد. مثلاً یک جنبش اجتماعی کوچک برای حقوق اقلیت‌ها ممکن است از منظر پسامدرن «پیشرفت» تلقی شود، حتی اگر در روایت کلان مدرنیته جای نگیرد. همان‌طور که جیمز کلیفورد^۴ در معضل فرهنگ‌ها اشاره می‌کند: «پسامدرنیسم فضایی برای روایت‌های حاشیه‌ای و محلی باز می‌کند که پیش از این توسط روایت کلان پیشرفت نادیده گرفته می‌شدند» (Clifford, 1988: 14).

ذ. نفی سلسله‌مراتب ارزشی

پسامدرنیسم سلسله‌مراتب‌های سنتی (مثل «توسعه یافته» در مقابل «عقب‌مانده») را رد می‌کند. جوامع غیرصنعتی لزوماً «پایین‌تر» از جوامع صنعتی نیستند، بلکه شیوه‌های متفاوتی از زندگی و ارزش‌ها دارند. ادوارد سعید در شرق‌شناسی بیان می‌کند: «تقسیم‌بندی جوامع به پیشرفته و عقب‌مانده ابزاری استعماری برای توجیه سلطه بوده است» (Said, 1978: 7).

¹ Baudrillard

² Ulrich Beck

³ Foucault

⁴ Clifford

در نهایت می‌توان گفت؛ در پسامدرنیسم، پیشرفت به‌عنوان یک مفهوم تک معنا، عینی و جهان‌شمول وجود ندارد. بلکه آن را باید در بسترهای خاص، با توجه به روابط قدرت، گفتمان‌های محلی و پیامدهای انضمامی بررسی کرد. همان‌طور که فردریک جیمسون^۱ در پسامدرنیسم، یا منطق فرهنگی سرمایه‌داری متأخر نتیجه‌گیری می‌کند: «پسامدرنیسم نه تنها مفهوم پیشرفت، بلکه خود امکان هرگونه ارزیابی کلی از تاریخ را زیر سؤال می‌برد» (Jameson, 1991: 46). این نقدها کمک می‌کنند تا الگوهای به‌ظاهر متری (مثل نوسازی غرب محور) را با دیده‌ای تردیدآمیز بازخوانی شود و برای پیشرفت ایران اسلامی به الگوی بومی متناسب با ارزش‌ها و بافتار جامعه ایرانی رجوع شود.

۶- پیشرفت در منظومه فکری مقام معظم رهبری (اعلی‌الله مقامه الشریف)

با مطالعه عمیق مفهوم پیشرفت و احصای ابعاد مختلف آن در منظومه فکری مقام معظم رهبری می‌توان به‌خوبی تفاوت توسعه غربی و پیشرفت ایرانی اسلامی را بیان نمود. در توسعه، عنصر سامان‌بخش حکمرانی سود و منفعتی است که گروه‌های مختلف در پی کسب آن هستند. ساختار سلسله‌مراتب، تسلط بوروکراسی و روابط استخدامی اعمال قدرت می‌کنند. در این میان دولت بازیگر اصلی شناخته می‌شود و مردم در لایه‌هایی از دولت حضور داشته و به خواست و اراده دولت‌ها نحوه و میزان مشارکت مردم تعیین می‌گردد.

در صورتی که در پیشرفت، جامعه بستری برای رشد و تعالی انسان‌هاست. انسان مسیر رشدش را باید از مسیر اختیار دنبال کند و برای تجلی اختیارش نمی‌تواند به‌صورت اختیاری خود را منزوی کرده و اداره زندگی را به دیگری بسپرد، لازم است به صورت حداکثری (با انواع هویت‌های جمعی‌اش) در تمامی شئون زندگی خویش حاضر باشد تا از مسیر زندگی خود به تعالی برسد. این انسان با درک کامل معنای زندگی که خود می‌سازد، می‌تواند رشد کند. پس مشارکتش در عرصه‌های مختلف اداره جامعه، اصیل است» (Sarabadani Tafreshi, Sajjadih, Mostafavi, 2020: 90). مشارکت این چنینی مردم به ساخت حکمرانی پیشرفت کمک خواهد کرد. در این رویکرد عامل سامان‌بخش حکمرانی سود و منفعت‌های شخصی و گروهی نیست بلکه هنجارها و ارزش‌های انسانی و اجتماعی حاکم هست.

¹ Jameson

در نظام فکری مقام معظم رهبری برای رسیدن به پیشرفت، توجه به دولایه بنیادین و راهبردی مشهود هست؛ لایه بنیادین که توحید است و نشان دهنده محتوای جهان بینی ایشان است. «مکتب توحیدی هسته اصلی منظومه فکری ایشان را تشکیل می‌دهد که همه ارکان دیگر بر مبنای آن و در نسبت با آن معنا و مفهوم می‌یابد.» (Khademi & Taqizadeh, 2019: 265) و لایه دوم لایه راهبردی است که مبتنی بر مکتب توحیدی در عرصه زندگی نمود پیدا می‌کند و در تمدن نوین اسلامی به‌طور کامل به منصه ظهور می‌رسد. بر این اساس در تبیین مفهومی پیشرفت در منظومه فکری مقام معظم رهبری نیز در دولایه قابل بسط هست. لایه بنیادین که شامل معنویت، فکر و علم و پژوهش است و لایه راهبردی که عرصه‌های مختلف زندگی شامل عدالت، اقتصاد، اجتماع، فرهنگ، سیاست و سبک زندگی است. زمانی کشور به پیشرفت همه‌جانبه می‌رسد که بر گرفته از لایه بنیادین عرصه‌های مختلف زندگی را شکل دهد.

نگارندگان بر این باورند که در نظام فکری رهبر معظم انقلاب، علاوه بر دولایه بنیادین و راهبردی، لایه سوم می‌توان تعریف کرد و آن، لایه عملیاتی نظام فکری مقام معظم له می‌باشد؛ بیانیه گام دوم انقلاب همان لایه عملیاتی است که یک نقشه راه و مسیر اجرایی برای رسیدن به راهبرد اصلی انقلاب اسلامی یعنی تمدن سازی نوین اسلامی است.

در تبیین مفهومی پیشرفت در منظومه فکری مقام معظم رهبری، می‌توان این دولایه (بنیادین و راهبردی) را به گونه‌ای به هم مرتبط دانست که لایه بنیادین به عنوان زیرساخت فکری- معنوی، جهت گیری و محتوای لایه راهبردی را تعیین می‌کند؛ به عبارت دیگر، مؤلفه‌های لایه بنیادین (معنویت، فکر، علم و پژوهش) به عنوان چارچوبی هویت‌بخش، عرصه‌های راهبردی پیشرفت (اقتصاد، عدالت، فرهنگ و سیاست) را از حالت صوری و ابزاری خارج کرده و به آن‌ها عمق و اصالت می‌بخشد. این ارتباط متقابل به‌خوبی در یافته‌های تحلیل مضمون بیانات ایشان مشهود است. تحلیل مضمون بیانات مقام معظم رهبری نشان می‌دهد که مفهوم پیشرفت در کلام ایشان از چندین مؤلفه‌ی کلیدی تشکیل شده است که در دولایه بنیادین و راهبردی قرار دارد. این تحلیل نشان می‌دهد که پیشرفت در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری، فرآیندی پویا، چندبعدی و مبتنی بر ارزش‌های دینی است که بدون تردید، مشارکت آگاهانه‌ی مردم و مسئولان را می‌طلبد. یافته‌های

حاصل از صورت‌بندی نهایی شبکه مضامین در بستر نرم‌افزار MAXQDA در جدول و نمودار ذیل قابل مشاهده است.

جدول-۱. ابعاد پیشرفت در منظومه فکری مقام معظم رهبری (اعلی‌الله‌مقامه‌الشریف)

ردیف	منبع	بیانات	مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
۱	بیانات در دیدار نخبگان و استعداد‌های برتر علمی ۱۴۰۲/۰۷/۲۵	امروز ما احتیاج داریم به یک حرکت مبتکرانه‌ای از سوی دستگاه‌های علمی کشور تا عقب نیفتیم. ما حرکت کردیم، اما دیگران هم حرکت کردند؛ حتی عده‌ای از کشورهای منطقه با مشاهده‌ی پیشرفت ایران تشویق شدند به حرکت کردن، در حالی که عقب بودند؛ امروز ما به آمارها که نگاه میکنیم، می‌بینیم اینها خیلی جلو آمده‌اند. بیم آن وجود دارد که ما از مسابقه‌ی علمی دنیا عقب بمانیم؛ جلأ این بیم وجود دارد. میدانید و بارها بنده گفته‌ام که «أَلْعِلْمُ سُلْطَانٌ»؛ (۱) علم قدرت است. اگر بخواهیم کشور از آسیب‌های متعارف کشورهای دنیا مصون و برکنار بماند، در درجه‌ی اول، یک کار مهم پیشرفت علمی است؛ اگر عقب ماندیم، آسیب‌پذیر خواهیم شد؛ باید تلاش کنیم عقب نمانیم.	دانش، سلطنت و قدرت است	اقتدار علمی	علم و پژوهش
۲	خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۹۰/۱۱/۱۴	علم، پایه‌ی پیشرفت همه‌جانبه‌ی یک کشور است.	پایه		

سبک زندگی	سبک زندگی سالم	پرهیز از تقلید غربی	باطن فرهنگ غربی عبارت است از همان سبک زندگی مادی شهوت‌آلود گناه‌آلود هویت‌زدا و ضد معنویت و دشمن معنویت. شرط رسیدن به تمدن اسلامی نوین در درجه‌ی اول این است که از تقلید غربی پرهیز شود. ما متأسفانه در طول سالهای متمادی، یک چیزهائی را عادت کرده‌ایم تقلید کنیم.	بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۰۷/۲۳	۳
	زیست اجتماعی	پیشرفت در رفتار اجتماعی و شیوه‌ی زیستن	یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی عبارت است از سبک زندگی کردن، رفتار اجتماعی، شیوه‌ی زیستن اینها عبارت‌ه‌ای یکدیگر است این یک بُعد مهم است.	بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۰۷/۲۳	۴
معنویت	تأکید بر ارزش‌های الهی	غیرالهی بودن و ضعف الگوهای رایج	الگوهای رایج توسعه، از لحاظ مبانی، غلط و بر پایه‌ی اومانیسم و اصول غیر الهی هستند و از لحاظ آثار و نتایج نیز نتوانسته‌اند وعده‌هایی را که درخصوص ارزش‌هایی نظیر «آزادی» و «عدالت» داده بودند، محقق کنند.	دیدار اعضای شورای عالی «مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» ۱۳۹۵/۰۲/۰۶	۵

۶	بیانات در دیدار نخبگان و برگزیدگان کرمانشاه ۱۳۹۰/۰۷/۲۶	برجستگی‌های یک جامعه در این زمینه‌های ذهنی و فکری و علمی باید در خدمت تعالی انسان قرار بگیرد. امروز در دنیا این‌طور نیست؛ امروز در دنیا نه علم در خدمت تعالی انسان است، نه هنر و نه بقیه‌ی چیزها. خب، یک نمونه‌ی هنر، سینماست؛ یعنی بنیانهای اخلاقی راه، بنیانهای فکری راه، تعالی بشری را تخریب می‌کنند. امروز در دنیا، هنر در خدمت تعالی انسان نیست؛ علم هم همین‌طور. علم در خدمت سرمایه‌داری است، در خدمت ثروت‌اندوزان است. ... علم در خود کشورهای غربی هم همین‌طور است. بله، ثروت یک جمعی راه، یک اقلیتی را بالا برده؛ خود آن ثروت موجب شده که علم پیشرفت پیدا کند؛ اما علم شده یک ابزاری برای تبعیض و عدم تعادل اجتماعات و عقب‌رفتگی اجتماعات. ما باید این را برگردانیم.	لرزم به کارگیری برجستگی‌های مختلف در خدمت تعالی انسان	توجه به تعالی انسان	
۷	بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۹۳/۱۰/۱۷	بی‌اعتنائی به پیشرفت علمی، ترویج خودکم‌بینی ملی و بزرگنمایی غربی؛ حالا کار علمی که پیشرفت نمیکرد، حرکت علمی به معنای واقعی کلمه که اصلاً وجود نداشت، در رسانه‌ها ذائقه‌ی مردم را به واردات عادت دادند که این عادت متأسفانه تا امروز باقی است. عادات طولانی‌مدتی که برای مردم به‌وجود می‌آید، به‌آسانی از بین نمی‌رود. اینها به جای کشاندن کشور به سمت احیای تولیدات داخلی و منابع حقیقی یک ملت، مردم را با پول نفت عادت دادند به واردات؛ ذائقه‌ی مردم را عوض کردند؛	احیای تولیدات داخلی و منابع حقیقی	هماینت از تولید ملی	اقتصاد

اقتصاد مقاومتی	اقتصاد مقاومتی	قراردادن اقتصاد بر مبنای محور علمی	اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش‌بنیان است یعنی از پیشرفتهای علمی استفاده می‌کند، به پیشرفتهای علمی تکیه می‌کند، اقتصاد را بر محور علم قرار می‌دهد؛ اما معنای آن این نیست که این اقتصاد منحصر به دانشمندان است و فقط دانشمندان میتوانند نقش ایفا کنند در اقتصاد مقاومتی؛ نخیر، تجربه‌ها و مهارت‌ها - تجربه‌های صاحبان صنعت، تجربه‌ها و مهارت‌های کارگرانی که دارای تجربه و مهارتند - می‌تواند اثر بگذارد و می‌تواند در این اقتصاد نقش ایفا کند.	بیانات در حرم مطهر رضوی ۱۳۹۳/۰۱/۰۱	۸
		اقتصاد دانش‌بنیان محور اقتصاد مقاومتی	پیشتازی اقتصاد دانش‌بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقاء جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش‌بنیان در منطقه.	۱۳۹۲/۱۱/۲۹	۹
استقلال و آزادی	حفظ هویت اسلامی	علم اقتباس از منظومه فکری و عملی غرب.	این را هم عرض بکنم، مدل توسعه را ما از غرب نمیگیریم؛ اولاً ما اسم این حرکت را پیشرفت میگذاریم، نه آنچنان که آنها اسم‌گذاری می‌کنند «رشد و توسعه». مدل پیشرفت کشور را ما از غرب نمیگیریم. غربی‌ها خودشان به‌خاطر این روش و این مدل، خودشان را بدبخت کرده‌اند، مشکلات فراوانی برای خودشان درست کرده‌اند؛ زرق‌وبرق هست اما باطن و درون، پوسیده و رو به فساد است؛ از آنها ما نمیگیریم.	بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳۹۷/۰۸/۱۲	۱۰

	ایستادگی ملی	پیشرفت علمی ستون اصلی ایستادگی ملت	یکی از ارکان و ستونهای اصلی ایستادگی کنونی ملت ایران عبارت است از پیشرفتهای علمی کشور؛ که به دنبال این پیشرفتهای علمی، پیشرفتهای عملی و اجرایی هم در موارد بسیاری بوده. ایستادگی ملت ایران، در دنیا یک حادثه‌ی باشکوه است. ما توی قضیه قرار داریم. آن کسانی که از بیرون نگاه می کنند، عظمت این ایستادگی را بیشتر احساس می کنند.	بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۹۰/۰۶/۰۲	۱۱
عدالت و مبارزه با فساد	جامعه عادل	بخش‌وردا ری از عدالت و استغنا ی ملی	جامعه‌ی عادل، برخوردار از عدالت، جامعه‌ی آزاد، جامعه‌ای که مردم در آن، در اداره‌ی کشور، در آینده‌ی خود، در پیشرفت خود دارای نقشند، دارای تأثیرند، جامعه‌ای دارای عزت ملی و استغنا ی ملی، جامعه‌ای برخوردار از رفاه و مبرای از فقر و گرسنگی، جامعه‌ای دارای پیشرفتهای همه‌جانبه پیشرفت علمی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت سیاسی - و بالاخره جامعه‌ای بدون سکون، بدون رکود، بدون توقف و در حال پیشروی دائم؛ این آن جامعه‌ای است که ما دنبالش هستیم.	بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۱۳۹۰/۰۷/۲۴	۱۲
		معنویت در کنار پیشرفت مادی و کم شدن فاصله‌های طبقاتی	الگوی کشور اسلامی به معنای این نیست که در این کشور همه‌ی مردم فقط مشغول نماز و روزه و دعا و توسلاتند؛ نه، اینها هست، اینها معنویت است اما در کنار این معنویت، پیشرفت مادی، رشد علمی، توسعه‌ی عدالت، کم شدن فاصله‌های طبقاتی و برداشته شدن قله‌های اشرافی‌گری هست.	بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۹۵/۰۵/۱۱	۱۳

عزت ملی و روابط خارجی	اعتماد به نفس و عزت ملی	حفظ اقتدار و عزت ملی برای کشور	همه‌ی ملت ایران، همه‌ی دلسوزان، در این جهت متفقند که عزت ملی برای یک کشور، بسیار بسیار مهم است. اگر عزت بود، امنیت هم خواهد آمد؛ اگر امنیت بود، پیشرفت هم عملی خواهد بود؛ والا اگر یک ملت تحقیر شد، همه چیز او به بازی گرفته خواهد شد؛ حتی امنیت او، حتی ثروت او، و همه چیز او. عزت ملی بایستی محفوظ بماند و مسئولین این را می‌دانند؛	بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ۱۳۹۳/۱۱/۱۹	۱۴
		عزت سیاسی، پیشرفت اجتماعی، نفوذ بین‌المللی و	ملت ایران اثبات کرده که بدون تکیه‌ی به آمریکا، هم می‌شود پیشرفت علمی پیدا کرد، هم می‌شود پیشرفت اجتماعی پیدا کرد، هم می‌شود نفوذ بین‌المللی پیدا کرد، هم می‌شود عزت سیاسی در دنیای بشریت پیدا کرد. این را جمهوری اسلامی اثبات کرده و آنها از این ناراحتند.	بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع) ۱۳۹۳/۰۲/۳۱	۱۵



شکل-۱. ابعاد پیشرفت در منظومه فکری مقام معظم رهبری (اعلی‌الله‌مقامه‌الشریف)

انقلاب اسلامی ایران بر مبنای اندیشه اسلام ناب شکل گرفت، انقلابی که راه رشد و پیشرفت را در توسعه غربی جست‌وجو نمی‌کرد بلکه مسیر را در تعالیم بلند اسلام یافت و این مهم را در مهم‌ترین شعار خود «نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی» بیان داشت. این رویکرد، ایده داشتن الگویی بومی و اسلامی برای پیشرفت را به‌عنوان بدیل الگوی توسعه غربی مطرح کرد.

مقام معظم رهبری (اعلی‌الله‌مقامه‌الشریف) بر لزوم بازشناسی الگوی توسعه و پیشرفت تأکید دارند؛ ایشان بر ضرورت استفاده از سپهر بومی واژگان تأکید دارند؛ یک مورد جدی در این خصوص، مربوط به موضوع «توسعه» و «پیشرفت» است. پیشرفت در نظام فکری رهبری یک فرآیند همگام با تحولات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است که نقش مهمی در بهبود عملکرد و اثربخشی رهبران ایفا می‌کند.

«کلمه‌ی «پیشرفت» را ما با دقت انتخاب کردیم؛ تعمداً نخواستیم کلمه‌ی «توسعه» را به کار ببریم. علت این است که کلمه‌ی توسعه، یک بار ارزشی و معنایی دارد؛ التزاماتی با خودش همراه دارد که حتماً ما با آن التزامات همراه نیستیم، موافق نیستیم. ما نمی‌خواهیم یک اصطلاح جا افتاده‌ی متعارف جهانی را که معنای خاصی را از آن می‌فهمند، بیاوریم داخل مجموعه‌ی کار خودمان بکنیم. ما مفهومی را که مورد نظر خودمان است، مطرح و عرضه می‌کنیم؛ این مفهوم عبارت است از «پیشرفت». معادل معنای فارسی پیشرفت را می‌دانیم؛ می‌دانیم مراد از پیشرفت چیست. تعریف هم خواهیم کرد که منظور ما از این پیشرفتی که در فارسی معنایش روشن است، چیست؛ پیشرفت در چه ساحت‌هایی است، به چه سمتی است. ما این وام‌نگرفتن مفاهیم را در موارد دیگری هم در انقلاب داشته‌ایم. ما از کلمه‌ی «امپریالیسم» استفاده نکردیم؛ کلمه‌ی «استکبار» را آوردیم. ممکن است یک زوایایی در معنای امپریالیسم وجود داشته باشد که مورد نظر ما نیست. حساسیت ما بر روی آن زوایا نیست؛ حساسیت ما بر روی آن معنایی است که از کلمه‌ی «استکبار» به دست می‌آید. لذا این را مطرح کردیم، در انقلاب جا افتاد؛ دنیا هم امروز منظور ما را می‌فهمد و همچنین مفاهیم دیگری. مفهوم پیشرفت، برای ما مفهوم روشنی است. ما «پیشرفت» را به کار می‌بریم و تعریف می‌کنیم که مقصود ما از پیشرفت چیست» (Khamenei, May 17, 2009).

«ما وقتی می‌گوییم پیشرفت، نباید توسعه‌ی به مفهوم رایج غربی تداعی بشود. امروز توسعه، در اصطلاحات سیاسی و جهانی و بین‌المللی حرف رایجی است. ممکن است پیشرفتی که ما می‌گوییم، با آنچه که امروز از مفهوم توسعه در دنیا فهمیده می‌شود، وجوه مشترکی داشته باشد - که حتماً دارد - اما در نظام واژگانی ما، کلمه‌ی پیشرفت معنای خاص خودش را داشته باشد که با توسعه در نظام واژگانی امروز غرب، نایستی اشتباه بشود. آنچه ما دنبالش هستیم، لزوماً توسعه‌ی غربی - با همان مختصات و با همان شاخص‌ها - نیست» (Khamenei, May 17, 2009).

در کل، نظام فکری رهبری در حال حاضر بر پایه‌ی شناخت عمیق‌تر از انسان‌ها، ارزش‌ها و فن‌آوری‌ها استوار شده و هدف آن ایجاد فضای مناسب برای نوآوری، رشد و پیشرفت اجتماعی است.

«ما پیشرفت را به شکلی که غرب دنبال کرد و پیش رفت، نمی‌خواهیم؛ پیشرفت غربی هیچ جاذبه‌ای برای انسان آگاه امروز ندارد. پیشرفت کشورهای پیشرفته‌ی غربی نتوانست فقر را از بین

ببرد، نتوانست تبعیض را از بین ببرد، نتوانست عدالت را در جامعه مستقر کند، نتوانست اخلاق انسانی را مستقر کند. اولاً آن پیشرفت بر پایه‌ی ظلم و استعمار و غارت کشورهای دیگر بنا شد. شما ببینید همین حالا یکی از آقایان راجع به حمله‌ی پرتغال به ایران مطالبی گفتند. خب، فقط ایران نبود. در این منطقه‌ی شرق آسیا، جاهای مختلفی پرتغالی‌ها رفتند، هلندی‌ها رفتند. مگر هلند چه اندازه عرض و طول جغرافیائی و تاریخی و ارزش علمی دارد؟ یا پرتغال یا اسپانیا یا انگلیس همین جور؟ تمام این قاره‌ی عظیم آسیا را، قاره‌ی آفریقا را این‌ها در مشت گرفتند و فشردند؛ این‌ها مراکز ثروت بود. نگاه کنید به نوشته‌ی نهرو در «نگاهی به تاریخ جهان»؛ او تشریح می‌کند پیشرفت‌های علمی و فنی موجود در هند را پیش از ورود انگلیس‌ها. بنده تا قبل از اینکه این مطلب را از نگاه آدم مطلعی مثل نهرو که آن روز این را نوشته بود بخوانم، از چنین مسئله‌ای مطلع نبودم. یک کشوری در مسیر علمی معقول و صحیحی حرکت می‌کند، بعد می‌آیند به کمک علم و به کمک سلاح این کشور را تصرف می‌کنند، بی‌دریغ انسان‌ها را می‌کشند، منابع ثروت او را از بین می‌برند و خودشان را بر او تحمیل می‌کنند. ثروت را از هند بیرون می‌کشند، می‌روند در کشور خودشان سرمایه‌گذاری می‌کنند، ذخیره درست می‌کنند» (Khamenei, August 6, 2013).

در یک جمع‌بندی اگر بخواهیم تعریفی از پیشرفت ارائه نماییم؛ پیشرفت، صیوروت^۱ نیل به حیات طیبه است؛ این تعریف، نشان از یک حرکت و سیالیت دارد که بدون ایستایی و سکون به سمت اهداف متعالی پیش می‌رود.

«پیشرفت، تداعی‌کننده‌ی حرکت است، راه است. چطور ما می‌گوییم پیشرفت هدف است؟ عرض کردیم علت این است که پیشرفت هرگز متوقف نخواهد شد. بله، پیشرفت، حرکت است، راه است، صیوروت است؛ اما متوقف شدنی نیست و همین طور ادامه دارد؛ چون انسان ادامه دارد، چون استعدادهای بشری حد یقف ندارد. گفتیم پیشرفت دارای ابعادی است؛ و پیشرفت در مفهوم

^۱ «أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُور» (شوری- ۵۳)؛ این همان صیوروت به سمت خدا [است]. صیوروت یعنی حالی به‌حالی شدن، چیزی در باطن ذات خود تغییر ایجاد کند و روزبه‌روز بهتر بشود؛ این را می‌گویند صیوروت؛ بشر به سمت خدا صیوروت دارد و جامعه‌ی مطلوب اسلامی آن است که این صیوروت در آن وجود داشته باشد. (بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۹۴/۶/۲۴)

اسلامی، با پیشرفت یک بُعدی یا دو بُعدی در فرهنگ غربی متفاوت است؛ چند بُعدی است» (Khamenei, October 14, 2012).

از منظر مقام معظم رهبری، پیشرفت به معنای تحقق اهداف و آرمان‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت در حوزه‌های مختلف سازمانی، اجتماعی، فرهنگی و فردی است که منجر به بهبود کیفیت زندگی، رشد ظرفیت‌ها، تعالی اخلاقی و معنوی افراد و جامعه می‌شود. معظم له معتقدند که پیشرفت واقعی نه تنها در رشد اقتصادی و فن‌آوری بلکه در رشد انسان‌ها، تقویت ارزش‌ها، عدالت اجتماعی و رضایت الهی نیز نهفته است.

بنابراین می‌توان گفت، پیشرفت از دیدگاه رهبری، رسیدن به یک جامعه عادل، مؤمن، اخلاق‌مدار و رشد یافته است که در آن هم معنویت و هم علم، همراهی و هم‌سویی دارند و هدف نهایی آن رضایت الهی و تحقق اهداف اساسی اسلام است. این نگاه، بر تراز رفتاری و فکری انسان‌ها، تمرکز بر ارزش‌های اخلاقی و توجه به بعد معنوی و روحانی در کنار پیشرفت مادی، تأکید دارد.

۷- روند شکل‌گیری الگوی پیشرفت ایرانی اسلامی

پیشرفت همه‌جانبه به‌عنوان یکی از کلیدی‌ترین مفاهیم در گفتمان انقلاب اسلامی، همواره در کانون توجه رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران قرار داشته است. مقام معظم رهبری با تأکید بر ضرورت تدوین «الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت»، منظومه‌ای جامع و بدیع را ارائه نموده‌اند. الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت به‌عنوان چارچوبی جامع برای تحقق تمدن نوین اسلامی، در طول سال‌ها با تأکیدات مکرر مقام معظم رهبری تکامل یافته است. این الگو، نه تنها در تقابل با مدل‌های غربی توسعه قرار دارد، بلکه بر پایه‌های فکر، علم، معنویت و سبک زندگی توحیدی استوار است. روند شکل‌گیری این الگو را می‌توان در سه مرحله کلیدی پیگیری کرد؛

۱. تدوین چارچوب مفهومی (نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی - ۱۳۸۹)؛

۲. تبیین سند پایه الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت (۱۳۹۷)؛

۳. تکمیل و عملیاتی‌سازی در بیانیه گام دوم انقلاب (۱۳۹۷).

در ادامه به بررسی تطبیقی ابعاد پیشرفت در منظومه فکری ایشان پرداخته می‌شود؛ و به این سؤال پاسخ داده می‌شود که آیا می‌توان نظام مفهومی یکپارچه‌ای از ابعاد پیشرفت در بیانات رهبری استخراج کرد؟ همچنین، چه نسبتی میان ابعاد چهارگانه مطرح شده در نشست اندیشه‌های راهبردی (فکر، علم، زندگی، معنویت) و مؤلفه‌های هفت‌گانه بیانیه گام دوم (علم، معنویت، اقتصاد، عدالت، استقلال، عزت ملی، سبک زندگی) وجود دارد؟

- نشست اندیشه‌های راهبردی

پیشرفت در منظومه فکری مقام معظم رهبری ابعاد متنوعی را دربرمی‌گیرد و در نسبت با توسعه غربی جامعیت بیشتری دارد. با تمرکز بر منظومه فکری معظم له مشخص می‌شود چندین بار بر داشتن الگوی بومی و اصیل اسلامی برای پیشرفت تأکید داشته‌اند. نخستین بار، نشست اندیشه‌های راهبردی بود. اولین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت در تاریخ ۱۳۸۹/۰۹/۱۰ برگزار شد در این نشست مقام معظم رهبری، مسیر پیشرفت کشور را در ۴ عرصه تعریف می‌کنند. در این مرحله، چارچوب اولیه پیشرفت با محوریت ۴ عرصه به هم پیوسته طراحی شد:

- عرصه‌های پیشرفت

- عرصه فکر؛ مقام معظم رهبری با تأکید بر جامعه متفکر با استناد به آیات قرآن (مانند «لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ») بر ضرورت اندیشه ورزی مستقل تأکید می‌نمایند:

«در درجه‌ی اول، پیشرفت در عرصه‌ی فکر است. ما بایستی جامعه را به سمت یک جامعه‌ی متفکر حرکت دهیم؛ این هم درس قرآنی است. شما ببینید در قرآن چقدر «لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»، «لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»، «أَفَلَا يَعْقِلُونَ»، «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ» داریم. ما باید جوشیدن فکر و اندیشه‌ورزی را در جامعه‌ی

خودمان به یک حقیقت نمایان و واضح تبدیل کنیم... (Khamenei, December 1, 2010)

- عرصه علم؛ مقام معظم رهبری علم را به‌عنوان محصول فکر و ابزار دستیابی به اقتدار ملی می‌دانند:

«عرصه‌ی دوم - که اهمیتش کمتر از عرصه‌ی اول است - عرصه‌ی علم است. در علم باید ما پیشرفت کنیم. البته علم هم خود، محصول فکر است... (Khamenei, December 1, 2010).

- عرصه‌ی زندگی؛ ایشان با نگاهی جامع به مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، شاخص‌هایی مانند عدالت، امنیت، رفاه، استقلال و آزادی را عرصه‌های مهم زندگی برمی‌شمارند که می‌بایست در همه این زمینه‌ها به پیشرفت برسیم:

«عرصه‌ی سوّم، عرصه‌ی زندگی است. همه‌ی چیزهایی که در زندگی یک جامعه به‌عنوان مسائل اساسی و خطوط اساسی مطرح است، در همین عنوان «عرصه‌ی زندگی» می‌گنجد؛ مثل امنیت، مثل عدالت، مثل رفاه، مثل استقلال، مثل عزت ملی، مثل آزادی، مثل تعاون، مثل حکومت. این‌ها همه زمینه‌های پیشرفت است...» (Khamenei, December 1, 2010)

- عرصه معنویت؛ ایشان عرصه معنویت را مهم‌ترین عرصه پیشرفت می‌دانند و بر این باورند که معنویت به‌عنوان روح حاکم بر تمام عرصه است:

«عرصه‌ی چهارم - که از همه‌ی این‌ها مهم‌تر است و روح همه‌ی این‌ها است - پیشرفت در عرصه‌ی معنویت است.» (Khamenei, December 1, 2010)

- پیش‌نویس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

پیشرفت در کشور زمانی به درستی دنبال می‌شود که بر مبنای سندی بالادستی و منطبق با نیازهای روز جامعه ایرانی تدوین شود. بر این مهم مقام معظم رهبری تأکید داشته‌اند: «ما دنبال الگوی مطلوب و آرمانی خودمان هستیم که یک الگوی اسلامی و ایرانی است؛ از هدایت اسلام سرچشمه می‌گیرد، از نیازها و سنت‌های ایرانی بهره می‌برد؛ یک الگوی مستقل.» (Khamenei, August 6, 2013)؛ لذا پس از گذشت ۸ سال از نشست راهبردی، پیش‌نویس الگوی پایه پیشرفت منتشر شد. ویژگی‌های مهم این سند عبارت‌اند از:

۱. تعریف چشم‌انداز ۵۰ ساله برای تحولات ایران در عرصه‌های فکر، علم، معنویت و زندگی؛
۲. تأکید بر مشارکت نخبگان حوزوی و دانشگاهی برای تدوین نقشه راه؛
۳. ارائه ساختاری شامل مبانی، آرمان‌ها، رسالت، افق و تدابیر.

بر این اساس دومین سند؛ با عنوان متن الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت به جامعه عرضه شد. «الگوی پایه، چارچوب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و معرف سیر کلی تحولات مطلوب ایران در عرصه فکر، علم، معنویت و زندگی به سوی تمدن نوین اسلامی ایرانی در نیم‌قرن آینده است. این الگو با مشارکت گسترده متفکران و صاحب‌نظران ایرانی و بر اساس جهان‌بینی و اصول

اسلامی و ارزش‌های انقلاب اسلامی و با توجه به مقتضیات اجتماعی و اقلیمی و میراث فرهنگی ایران، بر طبق روش‌های علمی و با استفاده از دستاوردهای بشری و مطالعه آینده‌پژوهانه تحولات جهانی طراحی شده و شامل مبانی، آرمان‌ها، رسالت، افق و تدابیر است» (Khamenei, October 14, 2018).

۸- چارچوب مفهومی نظری پیشرفت در الگوی اسلامی - ایرانی

معنویت: «معنویت، فراوری ارادی و وجودی انسان از مادی‌نگری و خودمحوری (انانیت) به توحید و در چارچوب اسلامی است که در بینش، گرایش، کنش و توانش در ساحت‌های فردی و اجتماعی ظهور می‌یابد و به نیت، عمل و منش انسان، جهت الهی می‌دهد. پیشرفت معنوی با رویکرد اسلامی فطری، فراگیر و جامع است و در همه ابعاد فردی و اجتماعی سریان دارد.»

علم: «مراد از علم، هرگونه دانایی برآمده از تلاش روشمند و مبتنی بر منابع معتبر معرفت‌نظیر وحی و عقل و تجربه است که التزام و کاربست آن در خدمت تعالی انسان، رفع نیازهای مادی و معنوی او و پیشرفت جامعه قرار می‌گیرد. قلمرو علم، همه ساحت‌های جهان‌تکوین و تشریع را در برمی‌گیرد و شامل معرفت‌های توصیفی و هنجاری در ارتباط با خداوند، فرد و جامعه، طبیعت و ماوراء طبیعت می‌شود. پیشرفت علمی به معنای ارتقای کیفی و توسعه کمی تولیدات دانشی در همه شاخه‌های علوم اعم از عقلی، تجربی، نقلی و شهودی در چارچوب معیارهای شناختی معتبر و عرف علمی و روش‌شناسی خاص آن‌ها است. لازمه چنین پیشرفتی، جامعیت، روزآمدی و اشراف به تحقیقات و نظریات مطرح در علوم مربوط است.»

عدالت اجتماعی: «عدالت اجتماعی از اهداف اساسی بعثت انبیای الهی و ادیان ابراهیمی و ارزش معیار و مبنای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است. عدالت اجتماعی به معنای جعل حق برای مستحق، دادن حق به صاحب آن و قرار دادن هر چیز در جای خود در همه عرصه‌ها، سطوح و ابعاد نظام اجتماعی است.»

فرهنگ: «فرهنگ منظومه‌ای منسجم از باورها و بینش‌ها، اخلاقیات و ارزش‌ها، علائق و سلايق، آداب و رسوم و الگوهای هنجاری دیرپا که در بازه‌ی زمانی و بستر زمینی معینی، صورت بسته، به انسان‌ها هویت می‌بخشد و به سبک زندگی آن‌ها جهت می‌دهد.»

اجتماع: «عرصه اجتماعی به معنای خاص، عرصه زندگی اجتماعی یا جهان زیست است که شامل وضعیت زندگی طبقات، قشرها و اقوام مختلف جامعه و ارتباط، پیوند و نسبت آنها با یکدیگر و با نهادهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه است. پیشرفت اجتماعی به گشت مداوم ظرفیت‌های اجتماعی و انسانی این عرصه و رابطه بین آنها برای ارتقای هماهنگ کیفیت مادی و معنوی زندگی مردم متکثر ایران در راستای تحقق حیات طیه است.»

سیاست و امنیت: «سیاست؛ تدبیر امور عامه و اعمال اقتدار (عمومی) برآمده از منابع مشروعیت بخش و ارزش‌های مشترک در تعامل نظام‌مند نهادهای سیاسی و جامعه مدنی به‌منظور دستیابی به سامان مطلوب و هدف‌های مادی و معنوی جامعه است.»

اقتصاد: «پیشرفت اقتصادی عبارت است از حرکت به‌سوی بهره‌مندی عادلانه آحاد جامعه از مواهب و خیرات و تأمین اقتدار، امنیت و رشد اقتصادی. پیشرفت اقتصادی بر اسلامیت نهادها، حکمرانی شایسته اقتصادی، مردم‌بنیانی، عدالت‌بنیانی، درون‌زایی، برون‌گرایی و نفی سیل، مدیریت علمی و جهادی و تداول ثروت در جامعه و نفی کتز مبتنی است» (Khamenei, October 14, 2018).

پس از انتشار سند، مقام معظم رهبری؛ دستگاه‌ها، مراکز علمی، نخبگان و صاحب‌نظران را به بررسی عمیق ابعاد مختلف سند تدوین‌شده و ارائه نظرات مشورتی جهت تکمیل و ارتقای این سند بالادستی فراخواندند.

«مجموعه‌ی دانشگاهی کشور ما، مجموعه‌ی نخبگان کشور ما- هم حوزه و دانشگاه- یکی از بزرگ‌ترین کارهاشان باید این باشد که نقشه‌ی جامع پیشرفت کشور را بر اساس مبانی اسلام تنظیم کنند؛ دل به الگوی غربی و مدل‌سازی‌های غربی نسپرند. او نمی‌تواند کشور را نجات بدهد؛ او نمی‌تواند پیشرفت کشور ما را تنظیم کند. کسانی که در مراکز برنامه‌ریزی یا در مراکز علمی و تحقیقی هستند و راجع به اقتصاد، راجع به سیاست، راجع به سیاست بین‌المللی و راجع به مسائل حیاتی دیگر کشور کار و فکر می‌کنند، دنبال این نباشند که فرمول‌های غربی را؛ فرمول‌های اقتصادی غرب، فرمول‌های بانک جهانی یا صندوق بین‌المللی پول را با مسائل کشور تطبیق کنند؛ نه، آن نظریه‌ها، نظریه‌های مفید برای ما نیست. البته از علمشان استفاده می‌کنیم؛ ما تعصب نداریم.

هر جا پیشرفت علمی، تجربه‌ی علمی باشد، استفاده می‌کنیم. از مصالح استفاده می‌کنیم؛ اما نقشه را بر طبق فکر خودمان، بر طبق نیاز خودمان بایستی بریزیم.» (Khamenei, May 15, 2007)

علی‌رغم مطالبه رهبری و تأکید اسناد بالادستی این مهم توسط نخبگان و مسئولان به نحو شایسته دنبال نشد. هم‌چنین می‌توان به‌عنوان چالش‌های اجرایی این سند به عدم پیگیری جدی توسط برخی نهادهای علمی و اجرایی و مقاومت در برابر تغییر پارادایم از توسعه غربی به الگوی بومی اشاره داشت.

- بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

سومین بار؛ بیانیه گام دوم است. بیانیه گام دوم با حفظ اصول چهارگانه نشست ۱۳۸۹، ابعاد عملیاتی‌تری را مطرح کرد. رهبر حکیم انقلاب اسلامی با صدور «بیانیه‌ی گام دوم انقلاب» و برای ادامه‌ی این راه روشن، به تبیین دستاوردهای شگرف چهار دهه‌ی گذشته پرداخته و توصیه‌هایی اساسی به‌منظور «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» ارائه فرموده‌اند؛ «اکنون به شما فرزندان عزیزم در مورد چند سرفصل اساسی توصیه‌هایی می‌کنم. این سرفصل‌ها عبارت‌اند از: علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، سبک زندگی.» (The Second Phase of the Islamic Revolution Statement, Addressed to the Iranian Nation, February 11, 2019).

هفت توصیه اساسی بیانیه گام دوم را در یک بسته جامع می‌توان در نظر گرفت و مبتنی بر روش قرآن کریم که می‌فرماید:

«أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ...؛ آیا ندیدی چگونه خداوند «کلمه طیب» (و گفتار پاکیزه) را به درخت پاکیزه‌ای تشبیه کرده.» (ابراهیم ۲۴)

می‌توان استعاره درخت را برای این هفت مفهوم در نظر گرفت. شجره‌ی طیب و درخت پاک آثاری دارد، مانند: رشد داشتن، پرمیوه بودن، سایه‌دار و پایدار بودن، در همه وقت ثمر دادن (Qaraati, 2004, 4: 409). این نام‌گذاری تلفیقی است از عناصر طبیعی و مفاهیم ارزشی که در قالب درخت نمادی جامع و کامل برای رشد و تعالی کشور و جامعه ترسیم می‌نماید که هر بخش نقش حیاتی خود را در رشد و بالندگی ایفا می‌کند. اجزای این درخت پاک به شرح ذیل می‌باشد؛

۱. ریشه (علم و پژوهش): اصول و بنیان‌های فکری و دانشی که در عمق جامعه و فرد ریشه دارد؛ بنیان هر جامعه‌ای علم و دانش است که نیروی محرکه پیشرفت و تعالی را فراهم می‌کند. با توجه به بیانیه‌ی رهبر انقلاب، می‌توان گفت که لازمه‌ی رسیدن به تمدن نوین اسلامی، حضور و حرکت جوانان از طریق مشارکت در شکستن مرزهای دانش و تولید علوم در چهارچوب جهان‌بینی توحیدی است که در عرصه‌های فرهنگی، فن‌آوری و اقتصادی مؤثر و تعیین کننده است (Golshani, 2019).
 ۲. تنه (اقتصاد): پایه‌ی اصلی کشور و جامعه، ستون فقرات نیازهای مادی و رفاهی؛ ستون فقرات اقتصادی، نیازهای مادی و رفاه جامعه را تأمین و پایداری آن را تضمین می‌کند.
 ۳. پوست (عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن): روابط خارجی و مرزبندی با دشمن؛ حفاظت و هویت ملی؛ دیپلماسی و مرزهای امنیتی لایه حفاظتی جامعه که هویت، امنیت و جایگاه بین‌المللی آن را حفظ می‌کند.
 ۴. شاخه‌ها (عدالت و مبارزه با فساد): شاخه‌های اصلی که جامعه را به‌سوی عدالت و پاک‌سازی حرکت می‌دهند؛ مسیرهایی که جامعه را به سمت پاکی، انصاف و سلامت هدایت می‌کنند.
 ۵. برگ‌ها (استقلال و آزادی): نمایش و تبلور حیات و پویایی جامعه، نماد آزادی و خودکفایی؛ نشانه‌های حیات، پویایی و شکوفایی جامعه که در استقلال و آزادی تجلی می‌یابد.
 ۶. آوندها (معنویت و اخلاق): رگ‌های حیاتی جامعه و فرد، انتقال ارزش‌ها و روحانیت؛ شریان‌های حیاتی که ارزش‌های والای انسانی را در جامعه منتقل کرده و روح معنوی آن را تغذیه می‌کنند.
 ۷. میوه (سبک زندگی): ثمره نهایی درخت که نتیجه تمام اجزاء و مسیر رشد آن است، الگوی زندگی و رفتارهای فردی و جمعی؛ محصول نهایی و نتیجه تمام این تلاش‌ها که الگوی زیست و رفتارهای فردی و جمعی را شکل می‌دهد.
- بسط علمی الگوی درخت پیشرفت در منظومه فکری مقام معظم رهبری به‌خوبی نشان می‌دهد که چگونه تمامی این عناصر در کنار هم، یک جامعه سالم، پیشرفته و متعالی را می‌سازند. این الگو

از هفت عنصر کلیدی تشکیل شده است که مبتنی بر روابط ارگانیک میان همه اجزاء به عنوان یک مجموعه نظام‌مند و پویا عمل می‌کند.



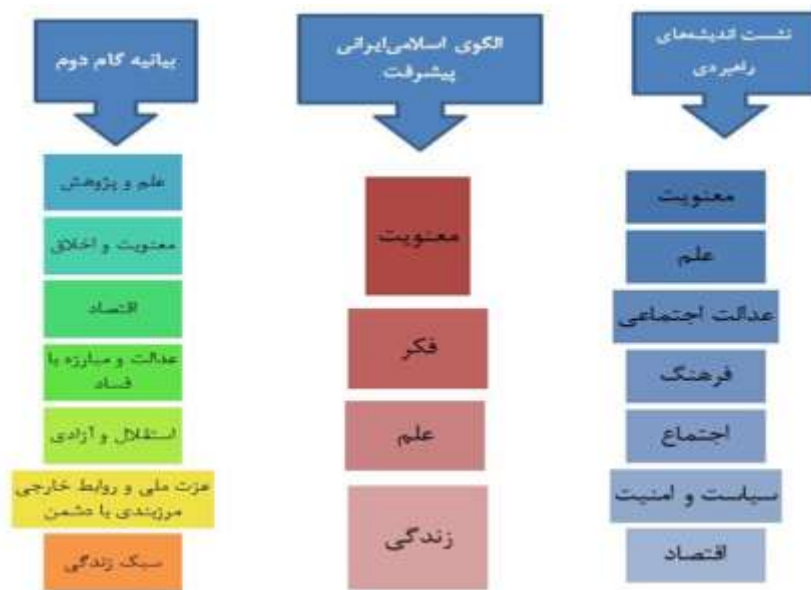
شکل-۲. استعاره درخت برای پیشرفت در گام دوم انقلاب اسلامی

- راهبردهای عملی پیشرفت در گام دوم؛

با مقایسه تطبیقی این سه گفتار در شکل زیر ملاحظه می‌شود که هر چند در فواصل زمانی مختلف ابعاد پیشرفت مطرح شده است لیکن چون برآمده از منظومه فکری مقام معظم رهبری است در هر سه گفتار؛ چارچوب کلی پیشرفت کشور برگرفته از معنویت، فکر و علم و پژوهش است که در عرصه‌های مختلف زندگی می‌بایست ظهور و بروز داشته باشد. علیرغم تفاوت در سطح تفصیل، چارچوب کلان پیشرفت در این اسناد از انسجام درونی برخوردار بوده و مؤلفه‌های اصلی آن شامل معنویت، عقلانیت، علم و تجلی آن در عرصه‌های زندگی اجتماعی است. این چارچوب در نشست اندیشه‌های راهبردی در چهار بعد کلی عنوان شده ولی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و بیانیه گام دوم عرصه‌های مختلف زندگی تفکیک شده است و دارای ابعاد هفت گانه هستند. قابل ذکر

است که با تحلیل مضمون پیشرفت در کل بیانات نیز همین هفت بعد اصلی به‌عنوان مضامین فراگیر احصا گردید.

شکل-۳. مقایسه تطبیقی عرصه‌های پیشرفت درسه‌الگوی بیان شده توسط مقام معظم رهبری (اعلی‌الله‌مقامه‌الشریف)



نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در جمع‌بندی نهایی این پژوهش می‌توان پیشرفت را در گفتمان انقلاب اسلامی «صیورت نیل به حیات طیبه» تعریف کرد که در چارچوب نظریه تمدنی، حرکتی پویا، چندبعدی و غایت‌گرا را ترسیم می‌نماید. این مطالعه با واکاوی نظام‌مند بیانات مقام معظم رهبری و اسناد بالادستی، به سه یافته کلیدی دست یافته است:

اول: الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت به‌مثابه «نظریه راهبردی تمدن‌سازی» از انسجام درونی برخوردار است که در سه مرحله تکاملی چارچوب‌سازی مفهومی (نشست اندیشه‌های راهبردی)، سندپردازی (تدوین سند پایه الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت و عملیاتی‌سازی در گام دوم (بیانیه گام دوم) صورت‌بندی شده است. تحلیل مضامین نشان می‌دهد که هرچند سطح تفصیل مؤلفه‌ها در اسناد

مختلف متفاوت است، اما چهار رکن اساسی «معنویت»، «فکر و عقلانیت»، «علم» و «سبک زندگی» به عنوان هسته سخت گفتمان پیشرفت همواره ثابت بوده‌اند.

دوم: تطبیق ابعاد چهارگانه (فکر، علم، زندگی، معنویت) با مؤلفه‌های هفت‌گانه بیانیه گام دوم و ابعاد پیشرفت در تحلیل مضمون بیانات مقام معظم رهبری در مورد پیشرفت نشان می‌دهد که؛ چارچوب کلی پیشرفت کشور برگرفته از معنویت، فکر و علم و پژوهش است که در عرصه‌های مختلف زندگی می‌بایست ظهور و بروز داشته باشد. علیرغم تفاوت در سطح تفصیل، **چارچوب کلان پیشرفت** در این اسناد و بیانات مقام معظم رهبری از **انسجام درونی** برخوردار بوده و مؤلفه‌های اصلی آن شامل **معنویت، عقلانیت، علم و تجلی آن در عرصه‌های زندگی اجتماعی** است.

سوم: این پژوهش با کشف «نظام مفهومی یکپارچه» در بیانات رهبری اثبات می‌کند که پیشرفت در گفتمان ایشان دارای دو ویژگی متمایز است:

۱. **هویت ترکیبی** (تلفیق نگاه جوهری به حیات طیبه با الزامات عینی جامعه)؛

۲. **کارکرد تمدنی** (ارتباط ارگانیک میان ابعاد مختلف پیشرفت با پروژه تمدن‌سازی).

در افق نهایی، این الگو نه تنها بدیلی برای پارادایم‌های غربی توسعه ارائه می‌دهد، بلکه با ترسیم «نقشه راه عملیاتی» در بیانیه گام دوم، گذار از دولت اسلامی به جامعه تمدنی را ممکن می‌سازد. موفقیت این مسیر مستلزم تحقق سه شرط اساسی است: تولید علم بومی، نهادینه‌سازی عدالت و بازتعریف سبک زندگی در چارچوب اسلامی-ایرانی. این پژوهش نشان می‌دهد که انقلاب اسلامی با تکیه بر این منظومه فکری، از «انقلاب سیاسی» به «انقلاب تمدنی» ارتقاء یافته و الگویی جهان‌شمول از پیشرفت متوازن را عرضه کرده است.

قدردانی

درج قدردانی: نویسنده/ نویسندگان از حامی مالی یا معنوی یا تأمین کننده اعتبار پژوهش (در صورت وجود) که در نگارش مقاله از آن بهره برده‌اند ملزم به درج قدردانی در انتهای مقاله می‌باشند.

Referenc

- Abedi Jafari, H., Taslimi, M. S., Faghihi, A., & Sheikhzadeh, M. (2011). Thematic analysis and thematic networks: A simple and efficient method for exploring patterns embedded in qualitative data. *Strategic Management Thought*, 5(2), 151–198. [In Persian]
- Alavi, P. (2007). Political communication: Communication, development, and political participation (2nd ed.). Tehran, Iran: Oloum-e Novin Publications. [In Persian]
- Attride-Stirling, J. (2001). Thematic networks: An analytic tool for qualitative research. *Qualitative Research*.
- Basirinia, A., & Malekouti, S. (2019). Examining the role of foresight in progress from the perspective of the Second Phase of the Islamic Revolution Statement, with an emphasis on its domestic and international dimensions. *Journal of Islamic Human Sciences Studies*, (18), 133–158. [In Persian]
- Baudrillard, J. (1992). *The Illusion of the End*. Stanford University Press.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*.
- Braun, V., & Clarke, V. (2013). *Successful qualitative research: A practical guide for beginners*. SAGE.
- Clifford, J. (1988). *The Predicament of Culture*. Harvard University Press.
- Costanza, R. et al. (2009). *Beyond GDP: The Need for New Measures of Progress*, Boston University, https://www.bu.edu/pardee/files/documents/PP-004-GDP.pdf
- Faghihi, A., & Alizadeh, M. (2005). Validity in qualitative research. *Farhang-e Modiriati (Management Culture)*, 3(9), 5–20. [In Persian]
- Foucault, M. (1975). *Discipline and Punish*. Pantheon Books.
- Ghazi Mirsaeed, M. (2016). The concept of development and progress in the thought of the Supreme Leader (May God Protect Him). *Journal of Islamic Management*, 24(3), 91–116. [In Persian]
- Giddens, A. (2000). *Sociology* (M. Sabouri, Trans.). Tehran, Iran: Ney Publications [In Persian]
- Golshani, M. (2019). Scientific production within the framework of a monotheistic worldview. In *The Second Phase of the Islamic Revolution dossier*. KHAMENEI.IR. [In Persian]
- Harvey, D. (1989). *The Condition of Postmodernity*. Blackwell.
- Jameson, F. (1991). *Postmodernism, or The Cultural Logic of Late Capitalism*. Duke University Press.
- Khademi, A., & Taqizadeh, F. (2019). A conceptual model of the concept of women in the discourse of the Islamic Revolution: A case study of Ayatollah Khamenei's intellectual framework. *Journal of Woman in Development and Politics*, 17(2), 257–277. https://doi.org/10.22059/jwdp.2019.276923.1007598 [https://doi.org/10.22059/jwdp.2019.276923.1007598] [In Persian]
- Lyotard, J-F. (1979). *The Postmodern Condition*. Manchester University Press.
- Movahedi, M. (2004). Identifying the characteristics of the Islamic national culture. Tehran, Iran: Secretariat of the Supreme Council of the Cultural Revolution, Cultural Commission. [In Persian]
- Mowlana, H. (1992). *Transition from modernity* (Y. Shokrkah, Trans.). Tehran, Iran: Center for Media Studies and Development. [In Persian]
- Nazarpour, M. (1999). *Values and development: A case study of the Constitution of the Islamic Republic of Iran*. Tehran, Iran: Institute for Islamic Culture and Thought. [In Persian]

- Office for the Preservation and Publication of the Works of Grand Ayatollah Sayyid Ali Khamenei. (n.d.). KHAMENEI.IR. https://english.khamenei.ir [In Persian]
- Parsania, H. (2006). Science and philosophy. Tehran, Iran: Organization for Publication of the Institute for Islamic Culture and Thought. [In Persian]
- Qaraati, M. (2004). Tafsir Noor (11th ed.). Tehran, Iran: Markaz-e Farhangi Dars-haei az Quran (Cultural Center for Lessons from the Qur'an [In Persian]
- Said, E. (1978). Orientalism. Pantheon Books.
- Sanchouli, Z. (2013). Explaining the nature of the Islamic-Iranian model of progress. Journal of Islamic-Iranian Progress Studies, 2(3), 1–28. [In Persian]
- Sarabadani Tafreshi, H., Sajjadih, S. A., Mostafavi Sani, A., & Torabzadeh Jahromi, M. S. (2020). The Islamic theory of social justice: A new exposition from the perspective of contemporary Islamic thinkers. Tehran, Iran: Imam Sadiq University Press. [In Persian]
- Shahriari, M. (2018). The philosophy of being revolutionary. Tehran, Iran: Nahzat-e Narm Afzari, affiliated with Enghelab-e Eslami Publications. [In Persian]
- Taylor, C. (2006). Three malaises of modernity (H. Shadi, Trans.). Allameh Quarterly, (12), 125–145. [In Persian]
- Teymouri, R., Abdollahzadeh, H., & Kaveh Pishghadam, M. K. (2023). The definition of progress and the ways to achieve it from the perspective of the Supreme Leader based on Laclau and Mouffe's discourse theory. Journal of Policy Research in the Transformation of the Humanities, 1(1), 63–88. [In Persian]

